🖝 شنبه اول عقرب ۱۲۰۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول ۹ داور این روز شأمه پدون کا خای کتبی پسرای کسی ارسال نمیدود عل اداره : طهران خهابان اسلاميول قیمت کاف شیاره ۵ شأهی است

> دولت اسلمهٔ داد ، ما امیدواریم پحران طولانی اشود . وقت أبران لنك أست وكارهاى كردني بسيار • مرجه زود در باید دست بعمل زد .

> > خیے لازم نبست بگولیم کی امروز باید بیاید . مداها است ما مقيده خودرا كفله ايم .

أمروز امام عناسر سيأسي و كايه دسلجات الهار بيك نفر داراد : أقاى

ابن وجود فوق الماده أي كه لباقت فألبش ذكر أبرهمه ببدا است بابد بهايدومارا

از ابن زندکی کنبف بیرون آمکند . جان مردم از زمامدارهای معمولی خداه شده یا معمه انتقار دارند بك كار های حداين بيبيندند المعاف بدهب بنير سردار سيه كيست كه امروز تا لب كار هماى

gration from the was well in the يهدين ميختصر قناعت مي أنيم

نعصر قناعت می کنیم آمیدواریم پزودی سردار سیه زمام امور آیران را پادست پگیرد ·

اقای سردار سبه - آین آفار ما و یک عدم خدودی ایست : ایران زما مداری شما را می خواعد ۱ الله والمعاد العالم الله المنظم ا

كه يكل أو معالك متعدم المأن است شروع قدم .

( باویر ) هم که بعد از ( پروس )

مهمترين شملكت ملحدة يود" دومنته كيل او

اللا عدا قد الله المساورة المساورة المساورة الما الم

از طرف وبكر فرانسة ميالغ ملكفت

ولمسان يول قرش داده و مبدهد ك

المجهزات نظامي خود را زياد ڪند زيرا

لهستان با فرالسه مفنق است و بايدهم سنكرى

باعد بين روسيه والمان .. لا در موقع مقلص

ميادا اين دو مملكت يا هم ملحد شواد ...

و هم دوسورت أزوم قوم اي إشه كه أز

بعت سر المان را خافل كير كند . المان الم

🐇 ای جهت ایست که ( ارائسکی ) کبیس

حِنك روسية در تطفي كه اخيرا ابراد كرده

وقوع جنك را محلمل ميداند .

بيدا كردمك لمي نوان بابن اسالي الراقرين

و جنبتن گاؤه ای واقسع شده الد و هریك

دارند منافع خود را حفظ میکنند و سراقب

ارضاع أبياعند والبراء الماران يموموا الألأ

مَن شويم ؟ رور يورون بيا إن أ

حكومت فولا

رضايت عمومها بالأخرة استعفأ داد القصيرى

هم ملوحه شخص محترم رئيس أن البود-

طرؤ کار بود و طریق حکومت ۔ پی تبردن

بيك مرض باطنى كه همه أن راحس، يكنند

عمال بن حكومت فوى رمطابي كنهاوسبله

پقای ما است و وقتی چنین حکومتی پوجود

ولى سيش را لميلهمند .

كابينه اقاى معير الدولة ور اثر عدم

علت اسلى لمام معذاً لفت ها ما ن

المامة ما بايد اين مسئه را بداند كه

وَلَى ما \_ الم جزو ساير مردمحساب

از أو دول دايا در مقابل بك ككان

البعه حق با اواست زبراً اروباوضعيق

بيات درخاره

المال و اروا " الاخرة استقالال ( زقالي ) أعلام The first work in the first of the first of

از روزی که جلک الحام رشید ت الهضى كا قسدش الجزية و القابك (واللي) از الله بود در تحت رياست دكتر(دران) يوجودامد - احروز اين استقلال داردسووت خارجی میگیرد

این میله دو نتیجه بزراد دارد : ١٠ - جون قستي از السان از، ان كبزيه و كفكيك من شود .. علكت السان كوچك ار و ضعيف ار خواهد شد و در رديف عما لك درجه دوم قراد خواهد

. ١٠٠١ - يك مملكت يوشا لي ك ( رنانی ) باشد پین فرانسه و بازیك از يك طرف و آلمان أز طرف ديكر حائل خواهد هد

ازم دو نقطهٔ نظر که یکریدفرانسه و بازیا تفعان در این است که با این بعثت مساعدت انتد و جهوري كاميخواهد يوجود ببايد كقويت المايند .

ولى بديمي است كه اين نجزيه نه فقط موجب كوچك شدن المان مي شود ولك شرمايه داران المان بالخصوس از اين المسكيك خشران و ضرو يزرك مي إبنند زيرا المام ممادن دوغال سنك ( رومي ) از دسلفان خارج میشود •••

المان يعون دوغال سناداز عهد مراه الداختن كارخالجات لحود إر أمهايد و كمام منابع ان از میان خواهد رفت .

اروبا هم از أين مسأله خشنوذ الخواهد يود زيرا اكر المان ضعيف شود فرالسه بر ساير ممالك ارويا مسلط خواعد شد . A Charles Car

آزقرار معلوم حنك داخلى دو (ساكس)

امد باید خود را کاملا اسلیم کرد و آامدلی

، حرا ۲

**خراب است ه** در در در در در

وقت لازم دارد .

نشان بدهند ، مملكت ما مثل مريضياست

اكرابران بايدزند. يماند . چندى بايد

بواسطه قدرت و علم بو شمسا برادرى دولت را در خارج زیاد کند

المام ابن ها شدنى و امكان يديراست عالك ديكري مثل مملك ما در

المكار أجديد وا أمقهب كردند هين كه حاضر برای قدا کاری شدند - هدین ک باله مملكت خود عقيده يبدأ كرداسد

عبيج الكنت .

ر زيرا أساس ولدكالي العُصارِّدي ما

ربختن طرح کازه و آجرای از دری

آفراد ملت باید منتهای فدا کاری را محل ج المحل

المام ما فدا كارى كنهم و أزَّنحمل

صعويت شاله خالى المائليم .

همه ما مبداليم كه ايدران دكر عكن نست بدون اسلاحات قطى و أسأسى بزندكي خود أدامه دهد . من أسلاحي أبد مستلزم الهير أوضاع و عادات فعلمي است البعه المبير طدات و اوضاع هـم موجب شکایت و عدم رضایت است ولی باین **لنیرات باید کن دو داد. زیرا حمه این حا** موقلی است و برای البه ما یک زندگانی با شرافت و عظمتی را نهبه میکند .

المروز اكر ما ميخواهيم زالم وماليم بابد بعت با بحرف هاى قشنك بزايم و عقب مردمان کار پرویم • باید این اسساس يوسيده را در هم ريخت - اقدام در اين امر قطماً عدم أي وا خواهد والجاايد ولي أفكار ملور المعاص بصيرابيد كوجه إبن سائل جزئي الكنند. اكر دو هزار الفر ال ما هم بايد بميرات و در عوض ابران زلنده شوه كمام وطن خواهان بإيره سنهويد وضايت دهندا ا كر ما موقعبت امروز واشناختيم-

اهیدت اخرین فسرسعی که بهسا داده شده حس گرديم خوشا پهدال ما ، ولي واي بسر ما جنان چه در این دم وایسین باز منافع و اخراض شعضى رأ اساس اقدامات

خود قرار دهيم ا ۽ پيائين ۽ پي الله الكران موقع را هم از دست يدهيم بأرد خود را برام اسارت حاضر كسنيم . ور قرن بستم با وسایل حمین قرن

باید زندکی کرد . اسکر شما این وسایل را فاقد شدید باید بلدکی آن کمانی را که دار لد بیذبرید و آبن یک از قوانین طبیعت اللت كه يهيج وسيله الهيوش محكن ايست -ما شميف هستيم زيرا الميريم . مراى أوى شدن باید معمول شد . برای بیدا کردن ارُوَت بَايِد منابع الروت اوا استخراج كرد برای این امر اید ا فوانیتی وضع آرد که ازادي عل بهمه بدهد - اطمئان واعتماد در میان مردم ایجاد کند - اعلیار

حال حاشر پای بدار بوده اند . همین که ازمهلك نجات بافتند

# نمايش مرداراد

١٩٢٣ - (٣٥) اكتبر ١٩٢٣

تمره تلفون ۲۹۰

مالهانه شهامه سه مامه اشتراك: داخله ۱۰۰ قران ۱۰۰ قران ۳۰ قران غارجه بملاوه اجرت بست

ليله جمه ٢٧ حمين ما. فاده خواهد شد يليط را از ينبج شب قبل در كرائد معل عریداری نمالید ... و معنون به دری اینان به دری اینان میسود و مینون به دری اینان میسود و اینان میسود و اینان می

الكلبف رياءت وزراء

أز طرف عابد عدرت جايوني آقاي سردارسية

أحضار و الكلمِف الشكيل كابينة بايشان شده

إست معظم له نقا ضا اموده الما روزجمه

باشان وقت داده شود که در اطراف ایس

مسئوليت مهم مطالعالى نمود مروو فنيه

جواب رد يا قبول را يعرض إعليمضر ت

· شومها اسكى مراجعت كرة ·

"اطلاع وأسله از فنقاز حاكم استرك

مسيو غومها اسكى أز يطركراد مراجعت تدوده

وارد بادكويه شد م است و حسا قراب يه

گهران وروه خواهد گره نشایل سیسیون

امروز بنج بعد از ظهر كبسيو ن

فرعی فراد داد کمرکی ایران و دوس در

وَوَارِثُ خَارِجِهِ لحت رَياست مسيو (سيم مرمان)

كشكيل خواهد يافت موضوع مذاكره صورت

ترقه های کری است که از طرف نیاینه

كان أيراق عهيه شده است.

فقها را منوبت داداد

سرد السر أقد أخوى و آقاي أ قا شبيخ حسين

بردی دهوت لمود که برای اجدید افار در

تظامنامه موسمات رهني در المقاد كميسهون

حذور همرساللد

قوام السلطنة حركت كرد المستم

وينالجه در شماره كدفيه اطلاع داديم

روز قبل اقاى قوام السلطنه بظمهلتان بطرف

مداد حركت كردند يس أز جندى لوقف

در عيات عاليات عندا به أروبا عربهت

خواهند للنود الله الآيام ا

الله الله المستخدمة المستحقوق المستحقوق المستحدث

و اجتراء وزارت درخه از طرف وزارت

ماليه يرداخله شدن الشاه المالية المراجعة

المستحمل الخم ينده المستسم

از وزارت فوائد مامه به اداره يست

اوشته شد که اخم بنیه آمریسکالی که از

وأشنكتن به إوشهر حمل شده أز اجار لطاله

كليمن الحويل كرفته و بطهران حمل تمايند

از وزارت عدابه به وزارت داخهی

او يسند ، برطيق بيدنهاد آن وزار اخاله

برؤسای عدایه ولایات دستوز داده شد که

احكام شهرى خود را بده مأدورين نظميه

ارجاع و احكام خارج ازشهر رابه مامووین

المنيه رجوع شايند لازم است از طرف ان

وزار لطانه مم المليمات لازمه در احر ای ارکب

أحظم مدليه راكي أجرأ كنانه ؟

رُورُ كَدُشتُه حقوق برج سنبله اعضا

وزارت فوالد مامة أز آ قايان عاج

هايوني برسالند سيالا

از قرأز الحلاع واسله ووز ساشنيه

فوق به أدارات اظميه و أمنيه ولايات سادر

### المع للكرافطانه

برحب رابرای که از برازجادیوز ارت فوالد عامه رسيده وشكايت از خرابهمارت تلكر إقمنانه وتجاكره بودند از طرف وزارت فواقد طمه بوزارت بست و للكراف قوشته شد كه المديرات المكرافية اله براز حان وادر أحت أفلر أداره ماليه أنجأ بنمايند

### احار واحليران

مسكرات باز عنوع است

عير واسله إز إس يكا حا كي إست ك مسئله منع معروبات كقربيا بحال سايق إقه است و فقط كاري كه شدر السن است ك خزاله داري لسميم كرفقه موافق قوالين آن علکتی کے کنتی برای آن کر ساکند م توان اجازه داد که در اب های ساسل الأزولي معروب ر قحت مهر همرا ، داشله بحد و المرابع المرابع

علكت نبو بورك قانون منع مشروبات را از نقطه نظر خود أيو كرده أبن مسله فوق العاده داراي العميت و مركاه از طرف چند مملکت دیگر ایر این روبه تعقیب شود لطمه حمدية قالون منع مفروبا ت وإد د خوامد ،آمد

### للنات از بالا ريا

بموجب واير ليكه از خراسان وسيده مرض مالاریا در رادکان طلوع عموده و در أدت كي قرب سيضد تفر للف شده السد جُنانَ جَهُ بَازًا رَ هَا سُوْ دِكَا بَيْنَ يُسِعُهُ شَدْ هُ غيور و مروو هم اميتود ١١١١ است

ودر یک از مدارش که برای امتحان رفله يودند أبدأ شاكرد حضور نداشت

از طرف وزارت داخله باوزار ت ممارف أوشله غدكه بإداره سنحبحه خراسان قستور لازم برآی جاو کاری از مرض داد.

غود . وسول بهایا از بایت طلبی که دولت از مستاحی سايق مدن فيروزج نيشايور داشته فيهابسين وزاراين فوزائد عامة و ماليه موفتيت حاسل شد که بر طبق پیشنهاد مازرهال وقیس مالیسه خراسان در عوض طلب از مستاجرينسايق أراءلاك قبول تموده خريدارى تهايند

حركت أبتانة منالس أسفهان سر حضرت ابتاقه مالسي يكروز به مسجد شاه تشريف بردند إراى لماز و بك غب به مسجد أو وازديد سه لنر از حجج اسلام امروز جهارو ایم پظهر ماقدة يدارالحكومة بازديد حكونت كشريف برده و ضمنا لخاشا فرمودند سأبر رؤساى دولتى مردودارا الحكومة حاضر شدمكه بازديد رؤساى لدكر شمال غربى صادر شده عينا بمرش دوایر دولتی هم در انجأ شده باشد بعد از تيمساعت توقف جناب ضبأء الواعظين فماينده فارس كاهراه معزى البه ميباشد نطق مصلى أز طرفُ ابتَاقَة ابراز وُ النابار المُنسادُ أَزَ هیئت محترم دولت و اقای وزیر جنگ و الراد نظام و حكومت و مامورين دوللس نامودند از دار آلحکومه به جیل ساون برای زيارت كلامالة مجيد كه يه خط حضرت المام حنن عليهما السلام ميبأشدنشر باف بردند حَمْر إهان كه هدت الله بودلد درسه الوميهل حركت فرمودلد

> حكومت و اقايان حجيم اسلام اقماي حامي أمّا أوراقة وسيد العراقين و رؤساي دوائر دوللي و ساحيمتميان نظامي البرون مروازه باغ إقاى اجلال السلطنية معابيت المودلد جسبت فوق العاده درب جهل سعون و الحيابالها جم شده يودند الهكريم هم در أغ مزيور كوقف بعد از لوديم حرصكت قرمود المثب وأهمادر دليجان كعربف اواهند ماهت فردا وارد قم ميدوند

> > كفيل حكومت شوشتر

قاسری یا بن از قبول استایاتای مهار الدوله حكمران كفالت به مشار افخم معاون حكورت واكذار شده يوه ايشان هم أمور حكومي هوشتر را يه سرهناك باقسر خان رئهی قوای مربستان در شوشترواکذار و امروز بدیت اقای مفار الدوله و ادیر مكانم و بس علمیه مربستان از ناسری و

سنك اسران

از حلیات آرسن لوین

كاليف: أموريس ليلان

الرجعه : عمد على - كاشائبان

النزما روق كذنت و هه اش را اوكرله إيساره

مشنول الحسن و لنحس بود و كالب به البجه او ترى

نميرسبدنا آنكا بالاخره از عنيدة راسخ خود سلباعلياد

كرده جول يشرفت خود را در تعليب در آنمحل اس

عالى ميديد كه بالمجب بكمترين اكتشافى هم ناثل

﴿ بِمَا وَوَرْهَا كَا مَثَلَ وَوَرْ سَابِقِ بِرَاوَ مِن كَــَدْشَتَ

م تلیجه و خمله کنده بکروز در روز نامه خوالد

که کند دوسورس بادخترش از قلمه امرومیی خارج

شده و حوالی شهر ایس مقیم شده آند درجای دیکر

خراند کا مارابالکن امریکائی طابق کانته مای

كرديده است

آرسن لوین پی لقصیری او کیابت شده و آزاد

أيوارق يمد از أبن واقمه ميكار مابوسانه بدهات

و قراء اطراف شافورد مشتول گردش شد ولی می چه

ببعاز كفت كمار يافت بس ملسم شد كه أزبن خيدال

اسرف اظهر كند بكروز دو شنبه سبحى اود ك

بأس را بدست او داداد که از باریس اوشعه شدهبود

كاخذ را باز كردُ الله خط اول آثراً فخوافده أبدود الني بديراني من كننه ع الله الله الله الله الله الله

خط بنداد عازم طهران شداد بارادكي شديد زنجان ۔ قریب سی ساعت است که لاينقطع باران مهآيد و حالبه هم هو امسلمه أعلان خلع سلاح البريز ـ اعسلالي كه از طرف امير

أعلان وستعظ للكراني وزبر خنكيو

فرمانده كل قشون واجع يخلع اسلحهزيارت از عفق آبا د اطلاع مبدهند: خسب الامريطاع ميارك عين دستخط الكرائي ضميت الجاراتي اين حدو د وا نا دوسهه ا براى الحلاج عموم ذبلا أبلاغ مُينمايم. يبلوان بحال يهمودي يافت اأواخرسرطان يهد أز عنوان أز قرار معلوم انتجه مده السنه كسيه إيراني • نمي كوان كنت أتتفار ميرفت نابحال اسلحه شهر كبريزجم جار ایران زیرا بعد از انقلابات اجار اورى أشده واغلب اهالي منكر داشتن اسلحه برائي يكامي فابود كشله فقط ممدودي دكان هستند عليهذا لازماست بموجب ابن المكراف أر إن هم با سر مايه فوق العاد ، قليل بعمام آهالی نبریز و آمسیحیان ساکن شهر عدده الريسن أن ها فيض رحيم أف وغيره أهلان نمائيد كه هركس اسلحه خودرا مُ أهل ص و كه لما م هستيش يه هزار كخويد التمايد شديشدا المقيب أو مجأزات لومان لمؤسد ، فقر أه عدم اعتماد أيه مناسبات لجارای ایرا ن وروس طیلی در حمت و انجة معامله ميكردند بطور غاير دبكر كان أس أنم كه علمدري جهه

كسى باقى بأشد و يدينوسيله كوشرد مينمايم ممولى فقط وراى كامين مماش يطور قاجاق يناهجه بازهم در تحويل اسلحه خود داري ان هم صدى جمل كشف شده و فاسك شود قطما بوسائل لازمة أساهه واكتشف و كان ابراني كذشته أزلسابم احربن مسى خویس مدت ها پایسی در عبس بکذارند صاحبان ان بسخت كرين مجازات خواهند اخيرا المجه مشهود أست الجار ت ك رسید و نقل باینکه مدلی نبز جهة کحویل اسلحه باهالي عمرم وقت داده مي عود لذا الداره رونقي ببدأ كرده و كسبه ايرانسي درجه أزادلد بعض أجنأ س محدو س از كاربسخ اشر ابن اعلان لنابت بانزد،روز بَرَانَ وَأَ وَارَهُ مَهِكَانِنَدُ لِمُجَارِثُ خَانِهِ هَامِيْ موعد ممهن و پس ار افضاء مدت بزبور والمعورك - سائلرسا يوز ـ دو يرفلوت نيز كر اسلحه تزدكس كشف شود عدرى قبول بیش از سابق بر عملهات خود افزوده الد

جنالجه در ظرف هنهه كشف وجه مدروقه سأوجيلاغ - نظاميان دروظايف طود اخيراز ۱۳ اوت الى ۲۰ اداره و منتورك بموجب احصائه، محبح ٧٢٠٠ يوط يشم و حديث وادارند أكاى مرجم الدوله مامور

كه جنان اضطراب و هيجاني إدر أو لولهد شد كه طاقت

نهاوره دست های او می فرزید ، شابد می کفت

ابن دای است که باز برای من کسترده اند ۱ ولی

دقت کرد دید خط پدرش است و بهتریی هم معلوم

إست بسشروع بعواندن كرد :

• آيا اين كات بتو خواهند رسيد يا ته ۽ من

و شي كه سرا ديوداد أن شب وا كمام در

الومييل بس بردم بعد صبح از الومييل بساده شده

سوار درشکه ای شدیم اما من هیچ خبر و هیچکس

را در ضمن راه آمی توالسلم بیبنم زیرا بك دستمالی

جلوی چشم های من پسته بودند حالا عمارتی که مسن

چنان حدس مبروم که در وسط خاله قرائسه بایسند

راقم شدة باشد اطاق من در طبقه دوم واقع و

دارای دو پلجره است بعد از ظهر ها من آزادم

كَهُ كَمِي دُو بَارِكُ قَدْمٍ إِسْرُامٍ وَلَى مَرْ لِمَعْتَ تَطْسِرُ

و بيك اظر أكفأق من أبن كاغذ را يتو مي تويسم و

يستكى بسته بسدت صحرا برااب مى كنم شايد باد ها

لى كه از دريا مى وزائد أمرا جاوى جشم يكنفر دهاكى

الما فرزند عزيز زياد مضطرب ميأش صوا ابتجأ يعقو

اورده و الرا بردارد و الله الله الله الله الله الله

آن جا حستم از وضع ساختصان و نیانسات آن

بالنم بر 800 لومان مواد خام از ايران مرکز ایالی که جند روز قبل برای تکمیل العقيقاب كه يكهز ارو أدويستاو ينجأه لومان وارد کرد در عوض مقدار زیادی تعظمینا رجه مشروقه ازكمرك ساوجيلاغ در موقع المرير ۲۰۰۰ هزار يوط نامت و هشاسد الهاجم اشرار جهراق واود سأوجيلاغ شده ر شنزی مال زرعی و همین مقدار ظروف بوده درنفكيل جندماس كميسيون در نظاميه با حضور رؤسأى ادارأت ونمأينه كان حكومت والطام واجاران ينطاقات لازمه يعمل امده مسئله لكثوف كرددكه سرقت وحه مزبوروا اشخاس فارج اراسكاب نداشته أند شب ۲۹ مهزان مامور مراجعت به نبریق کرده است ارشاع كحارت عثق اياد

ويشم ومواد خام حل خواهد شد

اتعخابات ولابات دستور سدور أعتبار نامه از طرف وزارت داخل الجمن ظارت رگزی بار فروش کلگراهٔ اطلاع داده شد له مانطور که خواسه بودیده باقایان عبدل المالك و شريعت زادمو توري زاده أخطار شد كه احكريت اراء أن حدود با اقايان است درسور لی که قبول نمایند کی مینمایند اطلاع دهيد ابنك اقابان عدل الملك و شربعت زادة قبول امايندكي خبود شان را وسما باين وزارت خاله اطهلاع داده ألسه لازم است اعدار نامه انها را سادر ر

أرسال داريد از طرف اقاى لورى زاده كأ

كنون اطلامي لرسيده است مسلم

بس فوری لنبیر لباس آدمه بشکل صهای خود ولى ينج دقيقه بود كه راه مى رفت نا كان را ساخته بجانب کوزین ووانه حکردید دو خدد این آمد كه يه يبلد كه يوده أنت كافذ را فرسادهداخل يستخاله قرية غد رَّئيس يست كه شخص أجبين يو د روز جَهَار شنبه كذشته سبحى بك لفر دهاني سأده باسم شارل که من در سر راه خود دیدم پمن کفت : أقاى رأيس بست كاغذى كه شير الداشله باشد باز يعقصه عي رسائلد آيا كه او الأعادة الداري الما المؤلمة كنتم جاور أ بله كه مرسالته ملتمي بك زيادي

هد عمیر شهر گوزین در آن داشت هانجالی که یواراه

روزی از آن کذعه بود 🏃 دیاست در این

إوارله إرسيد : - أين بابا هارل كا من كوليد رابين بست كفت : ـ از فرسلن كه راه ممولي

هم روزه آش پوده است بوارله فکری حکرده کفت : - لاید در بین راه

رأيس بست كفت : بله بايد همين طور إهد

is an experience of فردای آن دور ایزیفر ناهار را درفرسلین سرف | را املیب بینماید و می می در در درفرسلین سرف

الأت شكسلني بايران حل أدوده الد و البه مقدار زیادی قند در اداره و تعلورك وجود است که برای ایران اختصاص داده الدارات و المتورك - وسائل سايور ية ينبه و يشم ايران فوق العاده اهميت مي دهاد و کوشش وافر دارند که بامرقیمی باشد اولهاع و حمل المأيند

در مقابل شیسفه آلات و ظروف شكستنى بمعرضيهم بكذارند آ انجه اخبرا معلوم شدة مال العجارة قوق الذكر روس ايرأن طالب يسهار يبدأ كردة و إكمالا از حدود خراسان معتربهای ای بایان الت مبدود خصوصا شبشه آلات که فعلا متجاوز از ۱۵۰ هزار تومان اخبرا کجار خراسان سفارش داده آند و عنقربب دريقابل بنيه

كرد در راه ديد ششي را كه مرايه اي را ميرالد واراً در صاد العلب أو إرامد و أز وضع لياس و قبافه او حدس زد که باید بابا شارل باشد

اء العام از اللمناب وكهل تظأم الملماء - حاجي مهرزا

هادي \_ عد الاللم - امير اشجم احما ج رجيملس ۔ مدين هايدون -ميرزا مسعود خان ألسأعه مشفول انقحاب الماينده وراى

المجمن عاى جزء مبيأشيم ولى بالصد اومان برأى مخارج كافي ايست أمر الرمائيدمزإد تومان فورص حواله ده: ه كه اسياب مطال **الثود –** ، ' ، سو مانه يو خير

در بروجرة موأفق رايرت نابب الحكومه قرائت اراء خرم الجد و يشتكون أمام - حالمرين اكثريت أقايان حأج شبخ عيدالرحمن مجلهد و يمين الملك خرم أبادى ميناشند مسروتوق الملك مأمور بشت كوم ميرود

مخبر ما از شاهرود مینویسد ١ \_ميرزاعل اكبر خان منتشانتخابات

سه روز استوارد و پواسطه اشتقال شاهزاده أمير اعظم حسكمران يقداركات ورود و يديرائي هامزاده من ألموله كه مدين حلد روزه واردخواهند شدهنوزشروع بامرا لتخابك نحكرده كوا بعد از رفان مطام البه حیثت لظار مماوم و معرفی خده و معنول كار انتخارت معرند

٧ ؞از قرار خبر واسه شيروان بسرادر دير عان و شير على الم از ايسل إسرى كه ساجة دشمني با رمضان خال داعله أقد روز بلجم ربيع الاول منزل مشار البه ( در مزرمه حمين آباد ) واردشدماو و غلامملي خان برادرشوا فنك كتلهمام أأثبه واموال و مهمأت و ععر و كوسفندشان را معدابهبوده شيط و در مان با كه مكسه وممنان خان بوده منزل کرده الد و لوسط قاصد باقاى باور عندم الدوله كاغذ نوشته و اظهار شكايتاز رفعار ومضان خان واطاعت ور خدوت ركذاري خود لموده الد دو اس دیگر از کمان را خان را هم درقریه طرود حسين نام از طاينه شير خان بقلال رساليده و حاجي ربحان وحاجي لوروز إسرى ایز در آن جا بوده اند از ایم جا ن در برج معصن شده الد - دو برادر ومضان خان و پسر بزرك او هم با عده معدودى

بى سىم بارىس المان - قيضت اخير طرقداران تجزيه

یکی از رؤسا که اسمش ( وکرس ) است دستورات لازمه رأ از ( مالس ) 4

الله عدد المالاع ميدهند كه جندين حادثه

اعتراض باشغأل روهم سوسياليت بكنكرة راديكال سوسياليت

> ورطي كنفرالسي كه دو شنه اخير فهمان رئیس الوزرای ( وورنامبر ) ( باد ) ( هبل ) داده شده أست رئميس الوزراي وورنامبر ) ازهودای امپراطوری خواهی كرده است حجه خطرأت وضعيث سياسي فملى المازرا لهديد مي لمايند درالحت مطالمه ا در اوراد د د 📜 🐒 که پیماد کا پایشاد

ر حلسه مجلس شورا در روز جهار شنیه ا پنجشنبه آلبه راه حلی برای رفع مناقشه بین ( باویر ) و T لمان بیدا خواهد هد .

برؤسای قمون دخیرهسآدرکردماستوانها را به متحد شدن بر ضد ( باوبر ) دعوت مي كند

از طرف دیکر یك دسته از فشوای یه ( ساکس ) فرستاده شده جعبت را

ماراه دیگر قیمت ادارد ، در روز ۲۹ میزان در بران فیمت جهلوسه ملیون مارك بك دولار بود .

اكسلاشايل ) نوسط يلبس كرفته شده هد کلفات معلوم نیست ولی نهضت جهوری اون ) بلدريج رو پيوسمه آست طرقداران أجربه ( رن ) از المان مَنَّى شهر را كان كرفلا ) كا شهر ( أويز بارن ) واقع عده

المان – المكراف واسة حاكي است قو طي بي تفامي آخيريكه در (هامبوراك) وقوع يبوسله جهارده نفر منتول و۱۸۹ فر مجروح شده الد دو هب ۲۰۰۰ برج شده و أز إنجا مردم از ينجره به ينجره 

حلو یری از اعمال قاصیانه چنین مینکارد که ما هم قدر بي حس باشيم باز مجاررت و هُمسایی بِما حق مهدهد که بدولت افغا استان بكوثيم اراض الحن قلمرو انها ليابد مامن جانیان باشد – جربده من بوره می کوبد که برای امیر افغان خبسلی مشکل است که در أين موضوع بتواند با مملكت عقب مانده متعصيم كه تأبيم هيج قانوني اوست بالمجام ابن قبيدل امور أوفق كردد ألم لكن مر كا. افغالستان حقبقتا مهخواهد كه در حوزه دول و مال معمداه خود را داخل اما يدبايد عملا و پوسبله جلوکیری از وقوع جنسایات قضاوت أميز خود را لابق همقطازي دوات

فربب دهنده اليان معوت تموده است آ لمان راه اضمحلال را مي بيمأيد سقوط اميرا طسوري روم با سقسوط اعتبارات مالى ان او ام يود يول المان يل از جنك ٢٥٠٠٠٠ مرابه قيمت مارك . کنوان اود · جبزی ایالده است که نافوس آخرين دقابق عمر مملكت عظهم الشان المان

> مورخي الأمدار مي اويسد : ه امیراطور سابق آ امان بمنزلهساعتی ست كه كاسدد آن جهار سال قيدل مفقود

بول آلمان به بشبزی ارزش اداره المكرولات اقتصادى ان مملكت بكلي هم باشهده الحبه روهم که مرکن صناعت المائي بود منتزع ، چيزي امألده است در زار جنه کال آشتراکی تأبود کردد . مطابع بسرعت مرجه المام كر خروار ها يول بي مَصْرَفَ كَاغْدَى أَلْهَدِيهُ وَ مَنْدُر مَى أَمَايِنَا راءعي ازان مملكت براى هميشهوخت بريسته الان يا بايد طعمه القلاب شود يا دول

لجات كشند • أسياست فرائسة دير يا زود مرج و رج آجهامی کنونی را بشورش و طفیان بدبختاته ابن القلاب عدوديه المنخر احديود

بلک سر تا سر جهان وا فراخواهد خو ليار ازى مرس اندامى نيابد بعقبده سباسبون السال حكومت كرفو فادو بركن أيست كه قلمات ، آلمان پولئوبكي من شود ﴿ سپس

المعدد طيقه سوم يملت فقدان اغديه إزميان می فهماند که کفلیل در قوت و غذا رواد أعظم آ لدان را دجار سخت قربن

م کا نته طرح و مجری شود کا الذل المارك والدر حال وقفه و مسكون لكاء دارد زوال آن علکت برای مدت جند ماه

اما در خلال این احوال این نکته ا أز نظر نبايد محوكره كه سناعت امروز الْمَانُ بِمَرَابِ أَوْ دُو سَالَ بِبِسْ أَبُرُومُنَدُ أَمْنَ ونرىءر كنه

المأيت يرودت اسبت بشغال روهم ولىدرمين . کار خانجات فاز سازی پشم ریسی حال منتهای مخالفت نسیت بعملهای که از ارجه الی ، کاغذ سازی ، آجر پزی ، شهشه ریزی وغیره دومنتها درجه حدیت و

يمضى از جرايد آمريك معلقد لدكه كالمه انطاعهات مفلوكاله المان سأختكي ومصنوعي

از جراید امریك

اشاره ۱۵۴

است مسبو بوالكاء وأبس الوزراء فرائمه

در كالبد هين مدمي الملق معروسي تمودمو

/ ارجه از : ١

مجله لم اراری وابجست

( منطبه أبو إو راد )

اطلاعأت متقرقه كر

أبجاد روابط باروسيه

دو افر از سنا ارها موسوم به (کینژ)

(لاد) در ۱۵ جولای از نبوبورا پسمت

وبا خرکت نمودند که در اروبا و المان

. روسبه الحقيقات شخصي ( بدون جنسيه

سمى بِلمَايند ودو يرلن بِه جِند نفسر از

ماریف امریکا از قبیل (فرو) عضو مجلس

مُبِمُوثَانَ وَ ﴿ رُوهُولُسُ ﴾ وزيرٌ فلاحتسابق

( كولس ) كه سأبقه به اوضاع روسيه

ارائد ماحق و عازم روسيله شواند رأيس

بنات کار کران آکازونی مستر ( کومسیر )

كاغذى يدو المر سنائل فوق الذكر توشله م

يداز مقدماني كاذكر تموده ميثويسدمامورين

ژبم شویلی که در اخت اوامن مسکومل

مَيْدُناه المحسادية كار كران الازولي را از

حفظ روابط صدين بادولت ووسبسه بازان

دارند و شکابت میکنند که دولت روسیدی

خواهد مالك ويكن را على كبيريه خود

رار داده ويعد از استقرار حكومت سويق

مده ما و و فرستاده که اساس اشک بلات کار

كران انسجا وا يهم يزنله و انهما را آلت

المت دوات خارجي كرده وباينوسيه العاديه

مای القلابی تشکیسل داده مولت جهوری

آمريكا زا منهدم سازند و خودشان أيزابن

سله رأ كرديد لمن نمايند و از سناكرها

تفاضا لدوده كه يحكومت روسية حالى أما يُدك

يبشرفت مقصود آلها خواهد بود .

بن رویه آلها مانع شناختن دولت روسیه و

ساتر ( پروکهارت ) که جندی در روسیه

ارويابود اخيرا بوطنخود مهاجمت وأظهار

عَلَيْدِهِ أَمُودِهِ أَسْتُ فَي الْأَزُونِي بِأَلِدَ حَلْماً

روسیه را بشاسد زیرا که از یك طرف

حتمال کلی د از د که شکندم روسیه

رزان اروارد ارويا عدس ويفروش كندمام يكا

سُكِلة وارد و بياورد و من كه قدرار دادي

بین روسیه و اش یکا ا تباشد علو حسکسری

از این خدارت مفکل است و از طرف

يكار هن كاه روسية سأخهه أعود ممكن

است روسیه و المان از رام اا جاری یا

يكديكن متحد وموجب أزياد وحشت فرأنسه

و بالنابجه بهم خوردي اوضاع اروبا شده

و بمنافع اجارای و سراسی امریکا اطمه

وارد اورده مشار البه با مستر ( هيوز )

وزير أدور خارجه ليز ملاقالي كرده و

عقاید خود را مفصلا شرح داده ولی وزیر

خارجه با عقيده مشار البه موافقت فكردة

سنا ایر مزیور پمد از آن ملاقات حدیقی در

عقید، خود ایراز مهدارد

ملفقين رايه كشف حقيقت و أحتراز سبهاى مياست خارجي فرااسه خطاب كرده ميكويد شما درمحكوم تمودن سهاست فرالسهراجع مورد اعتراض قرار دهند - سرمايه داران تموده و با مساعدت جمعی که در قرائسه طرفدار رجوع ابن مسأله به مجمع الفاق

الرومند اروبل کشی مالاطسم او را پساحل سأكس رآ قربن التظاماه ابند و ملعظر است

كرفت منك عالم كراخيرا يكيمار ديكر با قيا فه ر أنقلاب جاو كرى نمأيد إيادا تمام نواحي جنوبي حكومت استبدادي وسلطاق

ممالي المودة إست المالي المالي

بتاخير خواهد أفقاد

باينكه مركاه بيشنهأدات حسابي ومنطقى المان

يدر يور او كه در حال حزل واندو، ارا درست دارد بوارا بهد از قرالت ابن كاغذ متوجه تدبر هاى آن

ابا شارل ارابة خود وا باسرَعت در جاده باويك يسمت قصية كرزان مي والد يوثر 4 مم با كلدي ديال

حس کرد که کسی هم از مقب آو می آید پشوری که م وقت او آهنه ميرود يا بإشارل مي ايستد او هسم می ایسته و هم وقت اند کر می رود او هم کند کر م آید زاد م دقت نی کسند که کسی او وا ليوند ووطراه عكر كرد كفت لايد كتبسك مها م كلاند هايد فهميده الد أله ابن شخص كاغذ را بر داشته ومانع اذ انجام طيال من أستند قلب بيجارة "جوال شروع يه طبيدن أمود و هن سة يسرعت متنول صعود وازول از ليه ما يودند ال إبن كه بعد أز دويست قدم خَسَارل ایستاد بعد از کس بسمت رود خانه کوچسکی که از آن جا من كنفت خرازير عده راه طوه وا كرفت أما آن شعاص كاكوا أو را تعليب مى كرد أز رودخاله الكشت ايساد كا آلك ديد شأرل از نظر طاب شد يس واه را كج كرده و داخل جاهة اي شد كامستقها

منلهی بمزارج و فعات میشد . من مها ماه به این جه پکند ؟ يوترله در فكر فرو رفت كه كما م

آقایان دیل ادکیل کردید

حكومت خراسان بوزادت داخله اطلاع مي دهد كه جون اللخابات زور اباد مأيةا جدزو أاجمدن مركزي سرخس رده وحالبه ميخواهند كه در حزو انجمن س کزی مشهد باشد و از کرفان عمرفه

سانكاف ملكراند لذا بحكومت در جز الكراف شد منتظر القدابات زور اياد نشده و اللخايات در جن را خالمه دهمد در کناباد

امر أنقخاً بات در جريان و نا پنج وز دیگر اللخابات حکنا باد خالمه بیدا بكنه در كون ليرقه ما يكلى تقميم شدة د طبس و بدرویهٔ آمهوز شروع خواهد

مر أسد ايأد

ال خروب امروز ١٩٠٣ لمرقه فوزيع كرديده است

در مراق حكومت مراق براى خالمه انتخابات مراق بنج هزار عرفه و سبصد كومانوجه هانا کرده ات

در طمین غروب لهم ربيهم الاول أعد أراء يشتكوه و دالائي خالمه باقت ١٩٢ كمرف

لوزيع شده ۸۲۸ رايماخوذ كرديده است أمروز بازدهم ربيع الاوليا حضو و تماينده مركزي مرقبا اراء جبار بلوك كمره فراأت تلبجه بهد بعرض خواهد رسيد

در زلجان حكومت زنجان رأيسرت ميدهسد كا المجمن الخارت مركري ولمجان يعضويت

أخارفاره

ور محكمه قربه رسام هستند

( رن ) أَوْ أَلَمَانَ كَهُ در ( اكسلامًا بِل ) يولمو ع يبوسته آست مركز شان را در ( مورن ) قرار ماده المد · كميله أجراقيه ( ونان ) ریادت نهضت را عهده دار شده

أز قاعدين است مي كبرد ٠ شنش

در ( اکسلاشایل ) بوقو ع پیوسته و انجا بهيس فأمهنات بطرف جميت شلبك كرده است. أ هندوستان معرفين تعاليد

سرأيت كرده أست •

در بران هنوز امیدوار هستند که

رزال ( خون لسه ) بيانيه خطاب

🍇 ازقرار مذکور شهر ( پوریاخ ) طمه

كلكرانات روكر مورخه ٤ شنيه ٢٤ اكلير ١٩٧٣ تصبحت بدوات أفغالمنان

لندن 19 اكتبر ـ جريد. المامس

راجع بمذاكرات با دولت المنانستان براى

ر مر موقع المعنت طرفه أران ( ران ) از الميان يدون وقدوع عادثه إمرا كز ا أيرو ) ( يون ) و ( أويز بادن )

در هایمس شایله کرده است و میرود.

البان - پس ار دو روز جنك

ر لحت لمرف دراورده الد .

حربتي وأقع شده است . أن من الله ا

مبزان جنك ها در اطراف شهر شروع

ياريس ٧٠ اكلير ــ مربوت اماينده

بأشفال روهم الهم وقتي كه قضبه خلم شده بود

أبلى الله رفقه أبد و من كاء الها أبن قضيه

بان سدر اعتلم را مجبور ۱-۹ تعویق اس

ملل مبياشند قضية سورت غير مناظرى به خوه

سبو فراتكان بويين وزبرسا بق اظهأر داشته استكه

خبوع فشبه خرامات مجمع انفاق ملل نومي

ورود وأسهد

راجمت أموده و وارد لندن كرديد ـ د

- أوشاع المان

يُران ١٠ ا عبر - موار يصدراعكم

اكس زكر جنين اطلاع دادة است حسكه

معار اليه قمون المان واطوري كمكيل

اده است که در گوت اوام، او اوساع

ك شكومت تملكت مربورة نيز دراينعصوس

ي موار ببانيــة اشاعت دادة و در طي

ان اظهار داشته است که مرکس مالع از

فبشرفت مقاسد أواو شود عكوم باعدام خواهد

المود \_ از اجراء اوام وسأر أملناع مورزه

در کلکرانی که پژنرال ون سک مخابره

و **وروڪرام راديکال** 💮 🐇

باريس ٢٠ اکير - حزب واديکال

سوسياليست فرائسه

سوسداليت باوجود مخالفت هأى شديدشان

يا دولت كنكره ساليا له خود را با هان:

يروكرام ملحد ساختن نمام قسمت ها خالما

و ایروکرام مزبور مبلی احت بر سرهم

زدن ما بين اشراكبون و طرفداران دوات

طرف سرمابه داران المان عمكن است برعابه

فرائسه بعمل آيد و همجنين نهديد دوات

را رُد شایند دخالدرسمی در امورخواهند

باوى مساعدت نمايد 🖟 دري

وقم ورود جمبت كيرى از مردم مقدمشرا

وابعهد الكلستان از سباحت كانسأدا

غواهد كرفت -

مطبوعات خارقه

لبديل خواهد ساخت .

اردید ـ زارال ون لوسو که وسلر أو وا کمبسری اظامی باویر در ماه ا عبر منصوب كرده اظهار اموده است كه اجراء مركونه مرى كه مخالف سياست بأوير باشدخودداري فواهد لمود .. و ژارال ون سکت اظهار اشته أست كه اعلماد وي أز موار سلب

المكيل خواهند دود المراجعة الم مي رود حدره ورد وكهربائي أطفال ومردان

طرفداری از تجمع انفاق ملسل - حفظ روابط دوستانه با ملفقين - عددا ازديك شدن بروسيه و مساعدت با مدوكراسي المان کهیه وسایلی برای دولت مزبوره که بتُوانِد غرامات را كار سازى دارد إيراز

لباقت مشغول كارند \_

ورو باکاند در امریکا اطلامی که از منأبع آلمانی رسیده ا حاکی است که دوسها در صددید ایرابها ت

قوى مر امريكا شروع لمايند و عده أي را بالنجا إعزام دارند و بعوسط الذكر مهاى تقلبي كه از اعضاي جيئت معاوت أ از كماني بدست آورده ألد در صدد ورود بامريكام باهند و مدیر این ملیات در الازونس (رشوی کامیاست که در سان فراسیسک و

# اطلاع

ماون طبیبه دارای اجریه و زیان فارسی حاضر است ازد یکی از دکتر ما أخدمت لمايد والمناب المايد

ادرس مهااخاله فرااسه امره ۱۵ 7-Y YAE ONG ---

### سالاك

باروخنزواون الزة صحيح خوودن دارد وروعن زیلون نازه ماه پیاه برای دوا خانه باستور وارد مبدود و بأ عليار دوا أَخَالُهُ بِفُرُوشُ مَبْرِسُد بِكُ دَفِيهِ كَجِرْبُهُ بِعُمَا ثابت خواهد كرد كه با روغن زيعون اأزه سُميم فواخاله بأستور سالاد أن جه لذلي طواهد داد 💮 🍀 🔭 🖟

L. . lake 7A7

مهمانخانه اقتصاد . طهران دروازه قزوين الله الله المرات بالمام و مراب وجراغ أيرق و علوب ويمناسنيك و قسرالت خاله و كلاس اكابر ورسلوران تفليف وأأواع خوراك های آیرالی و فرای می باشد

ال مسافرين و واردين ربع قبمت ساير مهمان خاله ها دريافت مي دارد از طرف داران اقتصاد و ساحیان عنل مماش القياضا من شود يك دفعه هم شده تشريف اورده وضميت اقتصادي والمشاهد فرمايند ندره املان ۲۹۰ ۲ - ۱۰

قسمت دوم اذ اصول تدویس حساب و حل مسائل فکری

### صل مساله

حل شده با دایل حماب و حندسه عصوس داو طلبان عمديقنامه اجدائي دوالعي

## تالدغب

المنافعة المام المنافعة المام المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة

فهامه از دار المملمين ورساى و فاكولته علوم ياريس

ا که از خین خشن طبیع در ردیف کتاب نامتری و پیروس و آزحیت موضوع نا يحال تغلير أن التشار نبافته اخبراً از طبيع خارج و در كنا بهذاله سمادت - خيابان فأصريه يفروش ميرسد والمستحدد المستحدث المستحدث المعد سعادت

ادر، اعلان ۲۲۷

## أَنْ يَعْمُ السِّنْ الْمُعْمُ الْمُعْمُ الْمُعْمُ الْمُعْمُ الْمُعْمُ الْمُعْمُ الْمُعْمُ الْمُعْمُ الْمُعْمُ

أمياز عايداله معارف را كه باقاى أقا ميرزا عبد الدين داده اند ايا در مقابل

یوفه یا خبر ایشان سال سکدشته باعتبار این امتیاز و مهر شیر و خورشید که عسوس ادارات دوات است بالنع بر دو عزار تومان حسكت مداوس را ال تعباب خاله ابران خريدة الدحرا كا حال قريب يكهزار كومان وجه أنها وا الإداخة، اند ؟ گتاب خانه ایران

## جوابسؤال فوق

اقاى حاجي ولرزا جيال الدين

بعهادت دفعر الد بس فقط باعتبار شير وخورشيد ليوده ا

صورتی که مطابق کصدیق کئی اجاد گیتاب فروش که در روز ایامه اعلان شوده انسد قيمت فيام آن كـعلب ها بيش از حناسد أومان أبيت ! المناه الماس الماس

حَوَالَجَاتَ يُعَارِزُ دَرْحَتَى وَ أَمَالَتُ رَفَعَارِ تَنْمُودُهُ أَيْدُو \* أَنْ أَ

يُ الله الله عنده حاضرم كه مطابق قصديق منف حقيقتها هم مقدار كتاب داده اید قہمت آن را با جناب قالی محسوب دارم اکر جناب عالی اتصاف دارید و نمی خواہید در قيمت اجحافي بنهائيد مصدق خودكان را مين كنيد! و الا صورت تصديق الحار كـ يماب قروش را در روامه اعلان مي حكم كاميه روي شود مي كه در أو غش باشد عامياً عَمَا يَقَ أَقْرَادِي كَهُ فَرْ صَمَنَ سَوْالِ تَمُودُهُ أَيْدٍ قُرْبِ عَزَارِ لومان

سادساً ـ ابن لكنه را نهر دانسته باشهد كه بلده از ( هو ) جنساب عالى ايدأ وحشت لكرده و مرعوب نميشهوم و مطائن باعهد كه وزارت جلبه متميوعه همم خِونَ كَامَلًا أَوْ قَصَايًا مَطَلَمُ اسْتَ بَابِنِ قَدِيلٍ غَيَارَاتُ بِشِي اسْأَسِ ﴾ ناشي أو طَمْمُ زياءً وُّ گران فروشی است وقمی امی کـ ندارد

## ا كاغل ف شيشه عكاسي

هُمَةُ أَمْرُهُ كَاعُدُ مَاتُ وَ يُبِرَأْقُ وَ شَيْقَهُ مَالَ كَارِخَا لَهُ ﴿ لُومِي رُوكُلا ﴾ جديدا دوا خانه عمده فروشي أور وارد نموده كارث يستال أبر مال لومبر موجود است

## OVOMALTINE !



خالم محارم - جرا شما ابن قدر

آقای عرم شها را خیل فوی وسالم م بيام آيا از طفوابت بهمين حال بود،د ؟ أه العبر ضعف كر إذ عيا بودم بس عبه شد که خمف و کما ات شها پرطرف کردید ۲ یله من مداما میالا پسوء هشم بودم و میل ينذا هبيج لداشتم و فوق المأدة يبوست مرا اذبت مبكرد الأ ابنك بكي ازاطباء اروبالي مها باستعمال اومالتين هذايت كرد طولى الكديد یکلی کسالام رقع حالم خوب و برای مزاجم يهذين أفدة الصباح است

و الله واحد مزوزم فوري ودوا خاله باساور وفاله يك جبه أوماللين كرفته شروع بَاستهال آن نمائيد أنَّا بِكُلِّي رُكَّاكَتْ شُمَّا ردم چاق و فره عوید دره اعلان ۲۸۱

ضيف و زرد ولاغي عده ايد ؟ چلديست كه يس از وشع حمل يحال خود لبامده خوام کم شده بستانهایم شیر ندارد بکلی از کار خانه باز مالدم يواسطه بي قولي اص لوائم حرات أنم قليم زياد ميزند فوا هاى زياد أستممأل مموده يهيجوجه مؤثر واقسغ اشده آه خواهن منبزم بنده از عما يدار يودم دكفر لجويز كرد اوما الأسين استعمال امايم حال جنديت مشغول اوماليين خوردن هسلم زردى صورلم ليديل يسرخي هده أشتها طوب مزامهم سالم بحمد الق سفيد كم والاحظام م فرمائيد " در شمن اطفال خوم وااومالتين مبدهم كه يراي استطوان يندي آ الما على لازم الله البله خوام منازم بنوريت شروع بخوردن اومالين نمالهد كا ميده خود را سالم ديده و ولجور باعيد · · · · · ·

راجب فرماند ادره املاهمه

## سيشارت به مبالايان سوزاك

شفاى كامل بأ استعمال حب هاى البرت

الجارت متعددی که در این اواخر در روی خواسفریو لوؤیکی شهمیاوی آسائیس سأالحا لان خالس برواسطة يروفس ها و دانشمندان فرانسه شده ثابت ميشود كى لركبيات او اولین دوانی است در ممالجه امراض متباری ادرار بخسوس این کیسول های مرکب يا اساني سالطال خالمي و سالون و فورمين ديلو دو متبسل كه بــا دقت و احتباط فوق الداده در ياريس درست عده و موسوم بحب آليزت عي باعد بهارين لركيب معروف أمرور أست كه در مدالجه صوراك خدمت يرزى بسيلايان شودة و در تداوك مدلى الها را از رایج سوزالد پدون عوارش دیگری آسوده و شفای کاملی میدهد قدر خورا له از عش کیسول کا هفت کیسول در روز میتوان خورد

المراجعة المدن 374 المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المدن المدن 374 المراجعة المر

	بورس نے طہران میلوں ا
	اندن مکرر ہی
لبويورف ألمان ( ۱۲۰ - ۱۲۰ •	الكراني وم-١٠
الزيك	اریس موہی کا میں ایک
اسانی ۱۳۱۰ کال	ارورك
سويس	رويه بيال

شركت مطبعه مارن